

والا داشت، و مورد وثوق و حرمت عموم مردم بروجرد برخوردار بود. آنان که بروجردی را دیده و شناخته‌اند، او را به تقوی و حسن خلق می‌ستایند و به نیکی و بزرگواری یاد می‌کنند. از او کتابها و رساله‌هایی در فقه و اصول مانده که به چاپ نرسیده است؛ از جمله: رساله در صلاة؛ رساله در اجماع؛ رساله در مقدمه واجب؛ رساله در اجتماع امر و نهی؛ رساله در قطع (آقابزرگ طهرانی؛ همانجا).

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، طبقات اعلام الشیعة، جزء ۱: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد ۱۴۰۲؛ حسین حنین بروجردی، تذکره حسین حنین، یا، دورنمایی از شهرستان بروجرد، خرم‌آباد ۱۳۵۱ ش؛ غلامرضا مولانا بروجردی، دانشمندان بروجرد، تهران [بی‌تا].

/ سیدجعفر شهیدی /

بروجردی، علی اصغر بن علی اکبر، از علما و نویسندگان امامیه قرن سیزدهم. براساس رساله کوتاه شرح حالش - که به انضمام کتاب دیگرش، نورالانوار، چاپ شده و مهمترین منبع برای شرح حال وی به شمار می‌رود - در ۱۲۳۱ در بروجرد به دنیا آمد و در کودکی به همراه خانواده‌اش به همدان رفت. در جوانی، فراگیری علوم دینی را در همان شهر آغاز کرد و سپس برای ادامه تحصیل، به اصفهان و بروجرد و کر بلا و نجف سفر کرد و نزد عالمانی چون سیدعلی نقی طباطبایی، برادر سید بحر العلوم، و مولی‌اسدالله بروجردی^۵ و سیدابراهیم قزوینی، صاحب ضوابط الاصول، و شیخ محمدحسین اصفهانی، صاحب فصول، و شیخ حسن بن جعفر کاشف الغطاء و شیخ محمد کاشف الغطاء و شیخ محمدحسن نجفی، صاحب جواهر، شاگردی کرد. پس از بازگشت به ایران، در تهران ساکن شد. اشتغال عمده بروجردی تألیف کتاب به زبان فارسی و برای عامه مردم در زمینه‌های فقه و اصول و عقاید (بویژه امامت) و مناقب امامان شیعه علیهم السلام، و اخلاق بود و تا زمان نوشتن شرح حال خود (پیش از ۱۲۷۵) ۳۱ کتاب تألیف کرد. چکیده کتابهای خود را به ترتیب تاریخ تألیف و گاهی با ذکر محل آن و آبیاناً برخی انگیزه‌های تألیف، در همین شرح حال آورده است. در جدولی دیگر نیز ویژگیهای کتابها و حجم تقریبی آنها براساس شماره سطور (بیت)، تنظیم شده است. معروفترین اثر بروجردی عقاید الشیعه است که آن را به فارسی و به نام محمد شاه قاجار در ۱۲۶۳ نوشته و بارها در تهران و تبریز چاپ سنگی شده است (آقابزرگ طهرانی، ج ۱۵، ص ۱۳۱، ۲۸۴، مدرس تبریزی، ج ۱، ص ۲۵۳). ادوارد براون، خلاصه‌ای از آن را به عنوان نمونه‌ای از عقاید رایج عامه شیعه ایران نقل کرده است (براون، ج ۴، ص ۲۴۸-۲۵۶). اثر دیگر او، نورالانوار، در آثار ظهور و رجعت

مزار و در آداب زیارت امام رضا علیه السلام است. این کتاب با عنوان التحفة الرضویه نیز شناسانده شده و آقابزرگ طهرانی (همان، ج ۲۵، ص ۲۰۸) احتمال می‌دهد که مؤلف بعد از اتمام کتاب نام آن را تغییر داده است. بروجردی کتابخانه بزرگی داشته که با نسخه‌های آثار و دستنوشته‌های او به کتابخانه حاج حسین آقا ملک انتقال یافته است (همان، ج ۵، ص ۲۵۲). دو پسر او، شیخ حسن و شیخ عبدالحسین، هم از روحانیان مشهود بوده‌اند (همو، ۱۴۰۴، جزء ۱، قسم ۲، ص ۷۲۳). اعتقاد او لقب «رحیمی» را برای خود برگزیده‌اند. در یادداشت‌های قزوینی (ج ۸، ص ۲۶۴) شرح حال این بروجردی اشتباهاً برای عبدالحجیم بروجردی، عالم نامبردار تهران در قرن سیزدهم، ثبت شده است (محبوبی اردکانی، ص ۷۴۹).

منابع: آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی، فهرست الفبائی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، تألیف محمد آصف فکرت، مشهد ۱۳۶۹ ش؛ محمد محسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نفی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳ همو، طبقات اعلام الشیعة، جزء ۱: نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، جزء ۲، الکرام البررة، مشهد ۱۴۰۲؛ محمد حسین علی اعتمادالسلطنه، المآثر والآثار، در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۱، تهران ۱۳۶۳ ش؛ همو، مطلع الشمس، چاپ سنگی تهران ۱۳۰۱-۱۳۰۳، چاپ تیمور برهان لیموده، چاپ اقت تهران ۱۳۶۲-۱۳۶۳ ش؛ مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران ۱۳۵۷ ش؛ محمد قزوینی، یادداشت‌های قزوینی، چاپ ایرج افشار، تهران ۱۳۶۳ ش؛ حسین محبوبی اردکانی، تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر والآثار، در چهل سال تاریخ ایران، چاپ ایرج افشار، ج ۲، تهران ۱۳۶۸ ش.

/ محمود مهدوی دامغانی /

بروجردی، ریحان الله - کشفی، سیدجعفر

بروجردی، عبدالله بن عبدالباقی بن محمد بن درویش، معروف به آخوند ملاعبدالله (۱۲۵۶-۱۳۲۹). مقدمات علوم دینی را در بروجرد فراگرفت و به حوزه درس مرحوم حاج ملااسدالله بروجردی^۵، عالم مشهور عصر خود، در آمد (آقابزرگ طهرانی، جزء ۱، قسم ۳، ص ۱۲۰۱). سپس به اصفهان رفت و نزد شیخ محمدباقر اصفهانی، معروف به آقانجفی، و دیگران ادامه تحصیل داد و در فقه، اصول، حدیث، کلام و جز آن تبحر یافت (همانجا). آنگاه به مولد خویش، بروجرد، بازگشت و به تدریس پرداخت. او همچنین در مسجدی که برای وی ساخته شد و به مسجد رنگینه معروف است، امامت می‌کرد (حزین بروجردی، ص ۳۱۵). خویی نرم، طبعی منبع و همتی

ائمۀ اطهار علیهم السلام است که در ۱۲۶۹ نوشته شده و به انضمام مثنوی ضیاء النور، شامل مسائل گوناگون اخلاقی و کلامی و عرفانی، در ۱۲۷۵ به چاپ رسیده است. کاتب آن، به گفته خودش، ۳۱ جلد از تألیفات نویسنده را دیده است. مؤلف، در مثنوی ضیاء النور، تاریخ آن را به حروف ابجد تعیین کرده که ۱۲۷۶ می شود (مدرس تبریزی، همانجا؛ آقابزرگ طهرانی، ج ۱۵، ص ۱۳۱). بروجردی در شعر «نیر» تخلص می کرده است (آقابزرگ طهرانی، ج ۱۵، ص ۱۳۱، ج ۹، ص ۱۲۴۱). وفات او ظاهراً پیش از تألیف کتاب المآثر والآثار، و به نوشته آقابزرگ طهرانی (ج ۲۴، ص ۳۶۰)، اندکی پیش از ۱۳۰۰ اتفاق افتاده است.

منابع: محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعة الی تصانیف الشیعة، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳؛ ادوارد گرانویل براون، تاریخ ادبیات ایران، ج ۴: از آغاز عهد صفویه تا زمان حاضر، ترجمه غلامرضا رشید یاسمی، تهران ۱۳۱۶ ش؛ محمدعلی مدرس تبریزی، ربیحة الادب، تهران ۱۳۶۹ ش؛ علی اصغرین علی اکبر نیر بروجردی، نور الانوار فی رجعة الائمة الاطهار، تهران ۱۲۷۵.

/ حسن طارمی /

بروجردی، علی اکبر، روحانی، سیاستمدار و از نزدیکان شیخ فضل الله نوری. در حدود ۱۲۷۰ به دنیا آمد. جد پدری وی اسدالله مجتهد بروجردی، مشهور به حجة الاسلام، از مجتهدان بنام تشیع بود که در بروجرد ثروت و مستغلاتی داشت و جد مادری او محقق قمی است (اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳ ش، ج ۱، ص ۱۸۹-۱۹۰). پدرش جمال الدین محمد از پدر خویش مولی اسدالله تصدیق اجتهاد گرفت و در علوم فقه، حدیث و تفسیر متبحر شد و در اواخر عمر در تهران قبول عامه یافت (همان، ج ۱، ص ۱۹۰، ۱۹۳). با مرگ وی در ۱۳۰۲، تمام مناصب او و همچنین مسجد، محراب و منبر مدرسه دوستعلی خان نظام الدوله در تهران به علی اکبر رسید که وی نیز در حدیث و تفسیر و ادب دستی داشت (همان، ج ۱، ص ۱۹۳، ۲۲۴).

در ۱۳۰۹، که ناصرالدین شاه امتیاز دخانیات را به کمپانی رژی واگذار کرد، گروهی از مردم ناراضی در تهران نزد حاج میرزا حسن آشتیانی^۵ رفتند و معایب این امتیاز را بازگو کردند. میرزا حسن آشتیانی حکم تحریم استعمال دخانیات را صادر کرد؛ این حکم به تأیید میرزا محمدحسن شیرازی^۶ در سامرا نیز رسید به این مضمون که امروز استعمال تنباکو و توتون به هر نحو در حکم محاربه با امام زمان است (ناظم الاسلام کرمانی، بخش ۱، ص ۱۹). پس از صدور این حکم، مردم استعمال دخانیات را ترک کردند. با شکایت کمپانی رژی، امین السلطان

صدراعظم به واسطه میرزا محمدحسن خان اعتماد السلطنه^۷ خواهان ارتباط با روحانیون، از جمله شیخ علی اکبر بروجردی، شد. اعتماد السلطنه، شیخ مهدی شمس العلماء را نزد علمای مجاهد مانند میرزا حسن آشتیانی، آقا علی اکبر بروجردی و شیخ فضل الله نوری فرستاد (اعتماد السلطنه، ۱۳۵۰ ش، ص ۷۸۸). این مذاکرات نتیجه ای نداشت. شاه که به علت فشار افکار عمومی از اجبار میرزای آشتیانی بر لغو فتوا یا خروج از ایران طرفی نبسته بود، ناگزیر با فرستادن میرزا عیسی وزیر، عبدالله خان والی و مجدالدوله نزد میرزا حسن آشتیانی پیغام داد که امتیاز داخلی کمپانی را لغو کرده، و از وی خواست تا دست از مخالفت بردارد. چون میرزا حسن آشتیانی نپذیرفت، عبدالله خان والی برای اجرای حکم شاه متوسل به زور شد. مردم با اعتراض شدید آقا سید محمد رضا طباطبایی به هیجان آمدند و متعرض مجدالدوله شدند. شیخ علی اکبر بروجردی که ظاهراً در پی فرصتی برای دوستی با مجدالدوله بود، فوراً دست او را گرفت و فریاد برآورد: «به ارک می رویم و این امر را به صلاح می گذرانیم» (ناظم الاسلام کرمانی، بخش ۱، ص ۱۹-۲۰). گروهی از مردم نیز برای اطلاع از نتیجه کار همراه آنان شدند. نزدیک دروازه ارک، نایب السلطنه کامران میرزا، چون آن دو را با یکدیگر دید متعرض شیخ علی اکبر شد. مردم در حمایت از حاج علی اکبر بروجردی به طرف نایب السلطنه رفتند. کامران میرزا با مشاهده اعتراض مردم خشمگین به درون ارک رفت و دستور داد در را ببندند. چون جمعیت قصد گشودن دروازه ارک را داشتند آقابالاخان معین نظام دستور شلیک داد و عده ای کشته و مجروح شدند (همان، بخش ۱، ص ۲۰-۲۱). فردای همان روز جلسه ای برای فسخ قرارداد در ارک تشکیل شد و عده ای از علما از جمله بروجردی به این مجلس دعوت شدند و به ابطال قرارداد رأی دادند. این ماجرا بر نفوذ و اعتبار شیخ علی اکبر بروجردی افزود.

تزویج دختر شیخ علی اکبر به شیخ هادی، پسر شیخ فضل الله نوری، آن دو روحانی را به هم نزدیکتر کرد (بامداد، ج ۶، ص ۱۶۷). در جریان تحصن گروهی از علما، در شوال ۱۳۲۳ در زاویه مقدسه حضرت عبدالعظیم برای تأسیس عدالتخانه، شیخ علی اکبر همراه شیخ فضل الله در صف مخالفان تحصن کنندگان قرار گرفت. او در نامه ای برای علمای نجف نوشت: «اشخاصی که رفته اند به زاویه مقدسه و مطالبه عدالتخانه می نمایند معدودی از طلاب می باشند، ربطی به حجج اسلامیه تهران ندارند. حجج اسلامیه تهران اصلاً و ابداً از شهر تهران خارج نشده و با عین الدوله دوستی دارند و از عدالتخانه متنفر می باشند و یقین دارند اگر عدالت در ایران جاری شود درب خانه های آقایان بسته خواهد شد».